



قابلیت های حکایات گلستان سعدی در نویسندگی درام رادیویی

ساناز احسانی سرشت

تهیه کننده رادیو در معاونت برون مرزی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران

دکتر مجید شریف خدایی

استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه صداوسیما

چکیده

رادیو ابزاری مناسب جهت نقل قصه ها است ، بنابر این با استفاده از ادبیات کهن پارسی همچون گلستان سعدی که سرشار از قصه ها و حکایاتی جذاب است و با بهره بردن از ویژگی های حکایات گلستان میتوان متون درام رادیویی جذابی را به رشته تحریر درآورد و قصه ها را به شیوه ای جذاب برای مخاطب رادیو در نمایش های رادیویی روایت کرد . هدف از انجام این پژوهش کشف قابلیت های روایت پردازی در گلستان سعدی جهت نویسندگی درام رادیویی است . این پژوهش به روش تحلیل محتوا کیفی انجام شده است . جهت انجام این پژوهش هفت نمونه نمایش رادیویی که با اقتباس از حکایات سعدی تولید شده اند مورد تحلیل قرار گرفته است . سعدی با خلق موقعیت های دشوار و یا هیجان انگیز در ابتدای داستان توجه مخاطب را به حکایت جلب کرده و در ادامه با شیوه ای صحیح و به دور از پیچیدگی نکته مورد نظر خود را به مخاطب منتقل کرده است . مطابق الگوی کنشی گریماس ، کنشگر ها در حکایات سعدی وجود دارند و همین موضوع در ارائه روایت موثر بوده است . زاویه دید در حکایات بررسی شده دانای کل است و اگر چه برخی از این حکایات مطابق نظریه لاری وای ، مرحله اولیه پایدار و یا مقدمه ندارند اما سعدی با هوشمندی خاصی حکایات را آغاز و به انجام و سرانجام رسانده است . مطابق نتایج این پژوهش ، حکایات گلستان سعدی با داشتن ویژگی هایی چون : قصه پردازی ، ظرفیت گسترش ، ظرفیت پرورش شخصیت ، امکان روایت داستان از زوایای دید متنوع ، داشتن موضوع و درون مایه اخلاقی ، سادگی در ارائه داستان ، پیرنگی مناسب جهت روایت پردازی و جلب نظر مخاطب با تکنیک ارائه موقعیتی نفس گیر در ابتدای داستان ، می تواند منبع مناسبی برای درام نویسان رادیویی باشد .

کلمات کلیدی : روایت ، گلستان سعدی ، رادیو ، درام ، نویسندگی

۱. مقدمه

قصه، داستان و روایت از دیر باز در زندگی بشر نقش پررنگی داشته است. گاه بشر برای فراغت و رفع خستگی ناشی از کار و تلاش روزانه و گاه برای انتقال تجربیات، شنونده و یا نقل کننده روایت های بسیاری بوده است. قصه گویی در زندگی بشر جایگاه ویژه ای دارد. داستان گویی در میان ملت های شرقی در طبقات مختلف رواج داشته است و در دوران اسلامی طبقه ای به نام قصاص ظهور کردند که کار آن ها قصه گویی برای مردم و سرگرم کردن آنان بود در واقع قصه و داستان پردازی، نوع ادبی (Genre) ویژه ای است که در ادبیات همه ملت ها وجود دارد. (اشرف زاده، ۱۳۷۳، ۲۶). نمایش رادیویی زمینه مناسبی برای ارائه حکایات و روایات کهن پارسی است. با توجه به اینکه ادبیات کهن پارسی سرشار از داستان ها و حکایات پند آموز بوده و در بسیاری از موارد قابلیت نمایشی شدن را دارند، می توان از آن ها بهره برد. یکی از مهمترین نکاتی که در یک حکایت و یا داستان حائز اهمیت است. شیوه روایت پردازی و چگونگی استفاده از عناصر داستان مانند شخصیت، پیرنگ، گفت و گو و ... است که این عناصر نیز در نمایش های رادیویی اهمیت دارد. برای ارائه یک حکایت جذاب به صورت مکتوب و یا به شکل نمایشی در رادیو، عناصر داستان و شیوه روایت پردازی باید همراه با جذابیت باشد. در این پژوهش، برخی از عناصر مشترک میان حکایات و نمایش نامه های رادیویی را مورد بررسی قرار داده و به تشریح مولفه ها و ویژگی های حکایات گلستان سعدی پرداخته و با استخراج و معرفی این ویژگی ها، قابلیت های گلستان سعدی در نویسندگی درام رادیویی کشف و معرفی شده است. هدف از انجام این پژوهش دستیابی به قابلیت ها و معرفی و تشریح ویژگی های گلستان سعدی جهت نویسندگی درام رادیویی و پاسخگویی به این پرسش ها است که:

۱. چگونه می توان از قابلیت روایت پردازی ادبیات کهن در نویسندگی درام رادیویی استفاده کرد؟

۲. پیرنگ، شخصیت و زاویه دید در حکایات گلستان سعدی چگونه است؟

۳. گلستان سعدی چه مولفه هایی دارد که قابل استفاده در نویسندگی درام رادیویی است؟

این پژوهش از نوع اکتشافی است و فرضیه ندارد. روش تحقیق استفاده شده در این پژوهش تحلیل محتوای کیفی است. برای گردآوری داده ها از شیوه کتابخانه ای استفاده شده و جهت دستیابی به اهداف و پاسخ پرسش های پژوهش، حکایاتی را که براساس آن ها نمایش رادیویی تولید شده است به عنوان نمونه انتخاب و عناصری مانند پیرنگ، زاویه دید و شخصیت در این حکایات بر اساس نظریه های خاص خود مورد بررسی قرار گرفته است. این عناصر از عناصر مشترک میان نمایش های رادیویی و حکایات محسوب می شود. چگونگی پیرنگ براساس نظریه لاری وای، تحلیل شخصیت ها با استفاده از الگوی کنشی گریماس و نوع زاویه دید براساس نظریه ژرارنت بررسی شده است.

درخصوص پیشینه پژوهش لازم به ذکر است که پیش از این پژوهشی با این عنوان و اهداف انجام نشده است و اغلب پژوهش ها درمورد گلستان سعدی به روش کمی و جهت دستیابی به آمار وارقامی درخصوص زاویه دید و پیرنگ و... انجام شده است که به برخی از آن ها اشاره می شود: "شیوه های روایت پردازی در گلستان" نوشته منیژه عبداللهی، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه

شیراز ۱۳۸۵ شماره ۴۸. "ساختار داستان های گلستان" نوشته حسن ذوالفقاری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد ۱۳۸۶ شماره ۱. "بررسی وجوه نمایشی گلستان" نوشته نجمه فعال، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان ۱۳۸۸. "شخصیت و شگرد شخصیت پرداز ی سعدی در گلستان" نوشته رقیه شنبه ای، پژوهشنامه فرهنگ و ادب سال ششم پاییز و زمستان ۱۳۸۹ شماره ۱۰. "بررسی ساختاری حکایات گلستان سعدی" نوشته حسین حاجی علیلو، پژوهش های نقد ادبی و سبک شناسی، بهار ۱۳۹۰. "بررسی سرعت روایت در حکایات گلستان سعدی" نوشته امید وحدانی فر و همکاران، فنون ادبی سال هشتم زمستان ۱۳۹۵ شماره ۴. اغلب تحقیقات پیشین با ارائه آمار و ارقام به بررسی ساختار و ساختمان حکایات گلستان سعدی پرداخته اند در حالی که در این پژوهش به صورت کیفی به بررسی پیرنگ، زاویه دید، شخصیت ها در حکایات گلستان سعدی پرداخته شده است.

گلستان سعدی

شاهکارِ افصح المتکلمین، شیخ اجل، مشرف الدین، مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی، شاعر و نویسنده بزرگ ایران است. سعدی، کتاب گلستان را در سال ۶۵۶ هجری قمری و در یک دیباچه و هشت باب به رشته تحریر در آورده است. این اثر شامل حکایاتی کوتاه و سرشار از پند و اندرزهای اخلاقی است. سیروس شمیسا در کتاب انواع ادبی، گلستان را در گونه ادبیات تعلیمی جای می دهد و این اثر را اینگونه تعریف می کند:

"گلستان سعدی از نظر صورت تلفیقی از مقامه و مناجات مسجع خواجه عبدالله انصاری است و نه این و نه آن. از نظر معنی ادبیات تعلیمی است که در آن حکایت پرداز ی هم شده است."

حکایت

حکایت اثری است روایی و کوتاه به نظم یا نثر که حداقل از دو شخصیت، یک کنش و یک گفت و گو تشکیل شده باشد (غلام، ۱۹، ۱۳۸۲). حکایت، قصه یا داستان و سرگذشت منظوم یا منثور کوتاهی است که نویسنده یا شاعر به بیان نکته ای می پردازد که بیشتر توصیفی است و راوی ماجرای ساده را بیان می کند. حکایت ها بر خلاف رمانس و افسانه بر حوادث شگفت انگیزی تاکید ندارند بلکه ماجرای ساده را بیان می کنند که در جهت غرض و مقصود نویسنده باشد. (میرصادقی، ۱۴۵، ۱۳۹۰).

نمایش نامه رادیویی و درام رادیویی

نمایش نامه رادیویی متنی نمایشی است که بر اساس آن نمایش رادیویی ساخته خواهد شد. با توجه به اینکه تنها مصالح در اختیار نویسنده نمایش نامه ی رادیویی، صوت و موسیقی است، نوشته باید برای بیان مفهوم و معنا، صداها را شرح دهد. (موسوی مهر، شریف خدایی، هنرمندینا، ۱۳۹۳)

عناصر مشترک حکایت و نمایش نامه رادیویی

در روایت پرداز ی حکایات، داستان ها و نمایش نامه های رادیویی عناصر مشترکی به چشم می خورد که به سبب همین عناصر مشترک بسیاری از نویسندگان نمایش های رادیویی از حکایات جهت خلق نمایش های رادیویی بهره

می برند. برخی از مهمترین عناصر مشترک میان حکایت و نمایش رادیویی عبارتند از: شخصیت، موضوع، زاویه دید و در میان این عناصر مشترک، ۳ عنصر پیرنگ، شخصیت و زاویه دید در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

پیرنگ

پیرنگ عبارت است از نقشه، طرح یا الگوی رخدادها در یک نمایش، شعر یا قصه، به بیان دیگر، پیرنگ، "توالی حوادث یا رخدادهای یک داستان" است. در پیوستار فضا/ زمان. سه پرسش به پیرنگ ارتباط دارد:

چرا آن اتفاق رخ داد؟

چرا این اتفاق می افتد؟

پس از این چه اتفاقی روی خواهد داد و چرا؟ (مقدادی، ۱۳۸۷)

لاری وای از ساختارگرایانی است که جهت پیشنهاد الگویی واحد برای پیرنگ در دوره ی معاصر کوشید و با تأثیر از دیدگاه های ارسطو الگویی ساده و مجازی در این زمینه ارائه داد. در دیدگاه لاری وای هر روایت از پیرنگ کلی شامل پنج مرحله است. این پنج مرحله عبارتند از:

۱. مرحله اولیه پایدار

۲. گره افکنی که در حالت اولیه خلل وارد می کند.

۳. پویایی یا کنش

۴. حل مشکل و گره گشایی که نتیجه کنش است.

۵. وضعیت پایانی که در آن تعادل دوباره به دست می آید. (رجبی، ۱۳۹۱: ۱۱۴)

بنابراین شروع داستان که در آن هیچ گونه کشمکش بین شخصیت های روایت وجود ندارد همان مرحله پایدار آغازین در الگوی "لاری وای" است. میانه ی داستان نیز که کشمکش بین شخصیت ها را در برمی گیرد، در الگوی "لاری وای" همان وضعیت ناپایدار است. به عقیده ی «لاری وای»، بیشترین شگردی که نویسنده در طرح ریزی به کار میبرد، در مرحله میانه و ناپایدار داستان است (میرصادقی ۱۳۸۵: ۷۴)

شخصیت

منظور از شخصیت، افراد و اشخاص و یا قهرمانان داستان هستند که به خاطر اهمیتی که در ساختار و آفرینش داستان دارند از ارزش هنری فراوانی برخوردار می باشند به طوری که هر یک از افراد و اشخاص داستانی شبه شخصی است تقلید شده از اجتماع که بینش جهانی نویسنده به آن فردیت و تشخص می بخشد. در ادبیات، شخصیت، فرد ساخته شده ای است که مانند اشخاص حقیقی از ویژگی هایی برخوردار است و با این ویژگی ها در داستان و نمایش ظاهر می شود. (بقال لاله، ۱۳۷۹)

گریماس، از ساختار گرایان و نظریه پردازان نشانه معنا شناسی پیرو ولادیمیر پراپ، با مطالعه ساختارهای معنا و ادامه پژوهش های پراپ در سطحی گسترده، توانست فرضیه مدل کنشی را ارائه دهد. گریماس روایت را بیشتر به قصه و داستان محدود میکند. او قصه و داستان را متونی میداند که ماهیت مجازی دارند، متونی که ۶ کنشگریا شخصیت داستانی مخصوص به خود دارند. کنشگرانی که دست به کنش میزنند و بدینگونه شخصیت آنها شکل میگیرد. گریماس به روش مشابه پراپ کار کرده است. پراپ برای نخستین بار، هفت نقش روایی گسترده را شناسایی کرد. این نقشها را شخصیت های عامیانه روسی او ایفا کردند. او معتقد بود که این نقشها نسبت به سی و یک نقش اصلی یا انواع واقعه که او آن ها را محور اصلی همه قصه ها میدانست، تبعی هستند. گریماس برخلاف پراپ، طرحی را پیشنهاد میکند که در آن وقایع نسبت به شخصیت تبعی هستند. بر اساس الگو گریماس کنشگر ها به شش مورد تقسیم بندی می شوند:

۱. فرستنده یا تحریک کننده: دستور اجرای فرمان را می دهد.
۲. گیرنده: کسی که از کنشگر سود می برد.
۳. کنشگر: به سوی شی ارزشی می گراید.
۴. شی ارزشی: هدف و موضوع کنشگر است.
۵. کنشگر باز دارنده: کسی که جلوی رسیدن کنشگر به شی ارزشی را می گیرد.
۶. کنشگر یاری دهنده: او کنشگر را یاری می دهد تا به شی ارزشی برسد.

زاویه دید

زاویه دید نحوه انتخاب راوی داستان است که نویسنده از طریق آن داستان را باز گوئی و روایت می کند. انواع زاویه دید را می توان در ۳ دسته کلی تقسیم کرد:

الف) اول شخص

ب) سوم شخص

ج) دانای کل محدود (موسوی مهر، شریف خدایی، هنرمندینا، ۱۳۹۳)

ژرار ژنت زاویه دید را به سه دسته تقسیم بندی می کند:

۱. کانون روایت با دیدگاه برتر (زاویه دید صفر): دیدگاهی است که از بالا به وقایع و آدم ها نگاه می کند و چون جایگاه اش برتر است، به شکل راوی دانای کل به کار می رود. این دیدگاه از نظر ژرار ژنت "روایت بدون شعاع کانونی" است که در آن، اطلاعات راوی بیشتر از شخصیت ها است و معمولاً بیشتر از آن ها حرف می زند. (سلیمیان، علیزاده: ۱۳۹۵)

۲. کانون روایت با دیدگاه روبه‌رو یا همسان (زاویه دید درونی): راوی به شخصیت‌ها از روبه‌رو نگاه می‌کند و کانون دید او محدود است. در این حالت میزان اطلاعات راوی و شخصیت‌ها برابر است. ژنت این دیدگاه را «روایت با شعاع کانونی درونی» می‌نامد. (همان، ۱۳۹۵)

۳. کانون روایت با دیدگاه خارج (زاویه دید بیرونی): در این دیدگاه راوی، عینی و شاهد ماجرا است و میزان اطلاعاتش از شخصیت‌ها کمتر است. در واقع چشم راوی یک نقطه کانونی ثابت ندارد. ژنت این دیدگاه را «روایت با شعاع بیرونی» خوانده است. (همان، ۱۳۹۵)

۲. روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، تحلیل محتوای کیفی است. داده‌های مورد نیاز برای این پژوهش به شیوه‌ی کتابخانه‌ای گردآوری شده است. در میان حکایات گلستان سعدی، ۳ حکایت که براساس آن‌ها نمایش‌های رادیویی تولید شده به عنوان نمونه انتخاب و همراه با متون درام‌های رادیویی آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. تحلیل محتوا به منزله تکنیکی علمی عمدتاً در قرن بیستم رایج شد. شاخص‌های گوناگون علوم اجتماعی همچون ارتباطات، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و روانشناسی آن را در پژوهش‌های خود به کار گرفته‌اند. به اعتقاد برلسون در تحلیل محتوا ویژگی‌های ظاهری یک پیام (متن، مکالمه و ...) را به شکل عینی (مستقل از برداشت شخصی محقق) و نظام‌مند بر طبق قواعد معین و کمی براساس شاخص‌های آماری توصیف می‌کند. تحلیل محتوا کیفی در جایی که تحلیل کمی به محدودیت‌هایی می‌رسد نمود می‌یابد. بنابراین، تحلیل محتوا کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرآیندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست. (ایمان، نوشادی، ۱۳۹۰). جهت انجام این پژوهش ابتدا متون نمایش‌های رادیویی سخن حق، مسافر بی‌زاد، ناسپاسی، وصیت، عابد، کیهان‌کی، بوریای نیرنگ از منظر پیرنگ، زاویه دید، شخصیت‌ها و چگونگی ایجاد معنا و مفهوم مورد بررسی قرار گرفت. سپس متن حکایاتی که این نمایش‌ها براساس آن‌ها تولید شده است، بررسی شد. تفاوت و تشابه متون نمایشی و متون حکایات از منظر عناصر مورد نظر استخراج و با توصیف، تبیین و تفسیر نهایی متون انجام شد. سپس با بررسی متون نمونه‌های مورد نظر ویژگی‌ها و قابلیت‌های گلستان سعدی جهت درام‌نویسی رادیویی استخراج و ارائه شده است. پیرنگ، شخصیت و زاویه دید مقوله‌های مورد بررسی در این پژوهش می‌باشند. در این پژوهش ابتدا با روش کتابخانه‌ای داده‌ها جمع‌آوری شده و سپس از میان آنها داده‌های خام استخراج و کدگذاری شده است. سپس با بازشنوایی نمایش‌های رادیویی مقوله‌های مورد نظر بررسی شد و در نهایت یافته‌ها کدگذاری و براساس سوالات و اهداف پژوهش نتایج حاصل از این مراحل گزارش و مکتوب شد.

۳. یافته‌های تحقیق

۱.۳ حکایت سوم باب اول گلستان (نمایش رادیویی "کیهان کی")

ملک زاده‌ای را شنیدم که کوتاه بود و حقیر و دیگر برادران بلند و خوب روی، باری پدر به کراهت و استحقار در او نظر می‌کرد، پسر به فراست و استبصار به جای آورد و گفت: ای پدر کوتاه خردمند به که نادان بلند. نه هر چه به قامت مهتر به قیمت بهتر.

الشاة نظيفة و الفیل جيفة.



اقل جبال الارض طور و آنه

لأعظم عند الله قدراً و منزلاً

آن شنیدی که لاغری دانا

گفت باری به ابلهی فربه

اسب تازی و گر ضعیف بود

همچنان از طویله‌ای خر به

پدر بخندید و ارکان دولت بیسندیدند و برادران به جان برنجیدند.

تا مرد سخن نگفته باشد

عیب و هنرش نهفته باشد

هر پیسه گمان مبر نهالی

باشد که پلنگ خفته باشد

شنیدم که ملک را در آن قرب دشمنی صعب روی نمود چون لشکر از هر دو طرف روی در هم آوردند اول کسی که به میدان در آمد
این پسر بود گفت

آن نه من باشم که روز جنگ بینی پشت من

آن منم گر در میان خاک و خون بینی سری

کانکه جنگ آرد به خون خویش بازی می‌کند

روز میدان و آن که بگریزد به خون لشکری

این بگفت و بر سپاه دشمن زد و تنی چند مردان کاری بینداخت چون پیش پدر آمد زمین خدمت ببوسید و گفت

ای که شخص منت حقیر نمود

تا درشتی هنر نپنداری

اسب لاغر میان به کار آید

روز میدان نه گاو پرواری

آورده‌اند که سپاه دشمن بسیار بود و اینان اندک جماعتی آهنگ گریز کردند پسر نعره زد و گفت ای مردان بکوشید یا جامه زنان
بپوشید سواران را بگفتن او تهور زیادت گشت و به یک بار حمله آوردند شنیدم که هم در آن روز بر دشمن ظفر یافتند ملک سر و

چشمش ببوسید و در کنار گرفت و هر روز نظر بیش کرد تا ولیعهد خویش کرد. برادران حسد بردند و زهر در طعامش کردند خواهر از غرفه بدید دریچه بر هم زد پسر دریافت و دست از طعام کشید و گفت محالست که هنرمندان بمیرند و بی هنران جای ایشان بگیرند.

کس نیاید به زیر سایه بوم

ور همای از جهان شود معدوم

پدر را از این حال آگهی دادند برادرانش را بخواند و گوشمالی به واجب بداد پس هر یکی را از اطراف بلاد حصه معین کرد تا فتنه بنشست و نزاع برخاست که ده درویش در گلیمی بخشند و دو پادشاه در اقلیمی ننگند

نیم نانی گر خورد مرد خدا

بذل درویشان کند نیمی دگر

ملک اقلیمی بگیرد پادشاه

همچنان در بند اقلیمی دگر

۱.۱.۳ پیرنگ

نمایش مطابق نظریه لاری وای با مرحله اولیه پایدار آغاز می شود. مقدمه ابتدای نمایش که در گفت و گوی میان شخصیت ها شکل گرفته است یکی از دلایل مورد تمسخر قرار گرفتن کیهان را به شنونده منتقل می کند در ادامه و با جدال پدر و کیهان پویایی و کنش در نمایش شکل می گیرد و به مرحله گرهِ افکنی می رسد. این کنش و گرهِ افکنی با تلاش برادران کیهان برای از بین بردن او به اوج می رسد و پس از وساطت پدر به مرحله گرهِ گشایی رسیده و در ادامه با زخمی شدن کیهان و گفت و گوی میان پدر و کیهان داستان به سمت نقطه تعادل حرکت کرده و با مرگ کیهان به مرحله تعادل می رسد. بنابراین این نمایش رادیویی تمامی پنج مرحله پیرنگ را مطابق نظریه لاری وای دارد. همچنین در نسخه اصلی حکایت ما شاهد پیرنگی کامل و منطبق با نظریه لاری وای هستیم. سعدی در عین ظرافت و کوتاهی جملات به شکل هنرمندانه ای پیرنگ این حکایت را خلق کرده است، پیرنگی که تمامی مراحل لاری وای را دارد.

جدول ۱. مراحل پیرنگ لاری وای، حکایت سوم باب اول

مصادق	مراحل پیرنگ
گفتگو میان سلطان و فرزندان	مرحله اولیه پایدار
مورد تمسخر قرار گرفتن کیهان	گره افکنی
جدال برادران و کیهان	پویایی و کنش
وساطت پدر	گره گشایی
مرگ کیهان	تعادل

۲.۱.۳ زاویه دید

مطابق نظریه ژرارژنت سعدی این حکایت را به شیوه دانای کل روایت کرده است در حالی که نمایش رادیویی تولید شده براساس این حکایت دارای زاویه دید با شعاع کانونی درونی است .

۳.۱.۳ شخصیت ها

شخصیت ها در متن حکایت و در نمایش رادیویی مطابق الگوی کنشی گریماس است و ما در این اثر شاهد کنشگرها هستیم .

جدول ۲. الگوی کنشی گریماس، حکایت سوم باب اول

مصادق	شخصیت ها
سلطان	فرستنده
امنیت دیار	گیرنده
کیهان	کنشگر
پیروزی کیهان در جنگ	شی ارزشی
برادران کیهان	کنشگر بازدارنده



۲.۳ حکایت بیست و دوم باب اول گلستان (نمایش رادیویی "بوریای نیرنگ")

یکی را از ملوک مرضی هایل بود که اعادت ذکر آن ناکردن اولی. طایفه حکمای یونان متفق شدند که مر این درد را دوائی نیست مگر زهره آدمی به چندین صفت موصوف. بفرمود طلب کردن. دهقان پسری یافتند بر آن صورت که حکیمان گفته بودند، پدرش را و مادرش را بخواند و به نعمت بی کران خشنود گردانیدند و قاضی فتوی داد که خون یکی از رعیت ریختن سلامت پادشه را روا باشد. جلاد قصد کرد، پسر سر سوی آسمان بر آورد و تبسم کرد. ملک پرسیدش که در این حالت چه جای خندیدن است؟ گفت: ناز فرزندان بر پدران و مادران باشد و دعوی پیش قاضی برند و داد از پادشه خواهند. اکنون پدر و مادر به علت حطام دنیا مرا به خون در سپردند و قاضی به کشتن فتوی داد و سلطان مصالح خویش اندر هلاک من همی بیند، به جز خدای عز و جل پناهی نمی بینم.

پیش که بر آورم ز دستت فریاد

هم پیش تو از دست تو گر خواهم داد

سلطان را دل از این سخن به هم بر آمد و آب در دیده بگردانید و گفت هلاک من اولی تراست از خون بی گناهی ریختن. سر و چشمش ببوسید و در کنار گرفت و نعمت بی اندازه بخشید و آزاد کرد و گویند هم در آن هفته شفا یافت.

همچنان در فکر آن بیتم که گفت

پیلبنای بر لب دریای نیل

زیر پایت گردانی حال مور

همچو حال توست زیر پای پیل

۱.۲.۳ پیرنگ

نمایش رادیویی با بیماری سلطان آغاز می شود و شنونده از همان ابتدا متوجه گره ای در داستان می شود. یافتن راه حلی برای درمان درد پادشاه، پویایی و کنش را در نمایش رقم می زند و در موقعیت های مختلف نمایش این کنش به اوج خود می رسد. سپس با آزادی جوانی که زهره او درمان درد پادشاه است پیرنگ داستان به سمت مرحله تعادل حرکت می کند در حالی که همچنان گره هایی در داستان وجود دارد که در پایان با آمدن شاهزاده و اعتراف صدر اعظم گره گشایی انجام می شود و نمایش به مرحله تعادل می رسد. از آنجایی که نمایش بدون مقدمه خاصی آغاز می شود و مرحله اولیه پایدار را ندارد با اصل حکایت که شامل تمامی مراحل پیرنگ لاری وای است، تفاوت دارد.

جدول ۳. مراحل پیرنگ لاری وای ، حکایت بیست و دوم باب اول

مراحل پیرنگ	مصدق
مرحله اولیه پایدار	یکی را از ملوک مرضی هایل بود...
گره افکنی	بیماری سلطان
پویایی و کنش	تلاش برای یافتن داروی بهبودی سلطان
گره گشایی	یافتن زهره جوان
تعادل	اعتراف صدراعظم

۲.۲.۳ زاویه دید

روایت با شعاع کانونی درونی ، نوع زاویه دید در این نمایش است در حالی که زاویه دید در حکایت ، دانای کل است.

۳.۲.۳ شخصیت

نمایش رادیویی و حکایت ، هردو ، تمام کنشگرها را دارند .

جدول ۴. الگوی کنشی گریماس، حکایت بیست و دوم باب اول

شخصیت ها	مصدق
فرستنده	بیماری سلطان
گیرنده	سلطان



کنشگر	درباریان
شی ارزشی	داروی بهبودی سلطان (زهره ی جوان)
کنشگریاری دهنده	جوان
کنشگر بازدارنده	دوستانِ جوان

۳.۳ حکایت سی سوم باب دوم (نمایش رادیویی "عابد")

یکی از متعبدان در بیشه زندگانی کردی و برگ درختان خوردی. پادشاهی به حکم زیارت به نزدیک وی رفت و گفت: اگر مصلحت بینی به شهر اندر برای تو مقامی بسازم که فراغ عبادت از این به دست دهد و دیگران هم به برکت انفاس شما مستفید گردند و به صلاح اعمال شما اقتدا کنند. زاهد را این سخن قبول نیامد و روی بر تافت. ی کی از وزیران گفتش: پاس خاطر ملک را روا باشد که چند روزی به شهر اندر آیی و کیفیت مکان معلوم کنی، پس اگر صفای وقت عزیزان را از صحبت اغیار کدورتی باشد اختیار باقیست. آورده اند که عابد به شهر اندر آمد و بستان سرای خاص ملک را بدو پرداختند، مقامی دلگشای روان آسای.

گل سرخش چو عارض خوبان

سنبلش همچو زلف محبوبان

همچنان از نهیب برد عجز

شیر ناخورده طفل دایه هنوز

وَ أَفَانِينَ عَلِيَهَا جُلُنَار

عَلَّقْتُ بِالشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارْمَلِك در حال کنیزکی خو بروی پیش فرستاد:

از این مه پاره ای عابد فریبی

ملائک صورتی طاووس زیبی

که بعد از دیدنش صورت نبندد

وجود پارسایان را شکیبی

همچنین در عقبش غلامی بدیع الجمال لطیف الاعتدال:

هَلَكَ النَّاسُ حَوْلَهُ عَطْشًا

وَ هُوَ سَاقٍ يَرَى وَ لَا يَسْقَى

دیده از دیدنش نگشتی سیر

همچنان کز فرات مستسقی

عابد طعام های لذیذ خوردن گرفت و کسوت های لطیف پوشیدن و از فواکه و مشموم و حلاوت تمتع یافتن و در جمال غلام و کنیزک نظر کردن و خردمندان گفته‌اند زلف خوبان زنجیر پای عقل است و دام مرغ زیرک.

در سر کار تو کردم دل و دین با همه دانش

مرغ زیرک به حقیقت منم امروز و تو دامی

فی الجمله دولت وقت مجموع به روز زوال آمد .

چنان که شاعر گوید:

هر که هست از فقیه و پیر و مرید

وز زبان آوران پاک نفس

چون به دنیای دون فرود آید به عسل در بماند پای مگس

بار دیگر ملک به دیدن او رغبت کرد.

عابد را دید از هیأت نخستین بگردیده و سرخ و سپید بر آمده و فربه شده و بر بالش دیبا تکیه زده و غلام پری پیکر به مروحه طاووسی بالای سر ایستاده.

بر سلامت حالش شادمانی کرد و از هر دری سخن گفتند تا ملک به انجام سخن گفت: چنین که من این هر دو طایفه را دوست دارم در جهان کس ندارد یکی علما و دیگر زهاد را. وزیر فیلسوف جهان دیده حاذق که با او بود گفت: ای خداوند! شرط دوستی آن است که با هر دو طایفه نکویی کنی، عالمان را زر بده تا دیگر بخوانند و زاهدان را چیزی مده تا زاهد بمانند.

خاتون خوب صورت پاکیزه روی را

نقش و نگار و خاتم پیروزه گو مباش

درویش نیک سیرت پاکیزه خوی را

نان رباط و لقمه دریوزه گو مباش تا مرا هست و دیگرم بایدگر نخوانند زاهدم شاید

۱.۳.۳ پیرنگ

گفت و گو میان وزیر و سلطان در ابتدای نمایش نشان دهنده مرحله اولیه پایدار در پیرنگ است. در اصل حکایت نیز ما شاهد مرحله اولیه پایدار هستیم. حکایت و نمایش رادیویی، هردو، تمامی مراحل پیرنگ لاری وای را دارند.

جدول ۵. مراحل پیرنگ لاری وای ، حکایت سی وسوم باب دوم

مراحل پیرنگ	مصدق
مرحله اولیه پایدار	گفتگو میان وزیر و سلطان
گره افکنی	دیدار با عابد و تلاش برای آوردن او به شهر
پویایی و کنش	گفتگو و تلاش وزیر و سلطان با عابد برای آوردن او به شهر
گره گشایی	آمدن عابد به شهر
تعادل	دیدار وزیر با پارسا در انتهای داستان

۲.۳.۳ زاویه دید

روایت با شعاع کانونی درونی ، نوع زاویه دید در نمایش رادیویی و دانای کل در حکایت است .

۳.۳.۳ شخصیت

نمایش و حکایت دارای کنشگر ها هستند .

جدول ۶. الگوی کنشی گریماس ، حکایت سی وسوم باب دوم

شخصیت ها	مصدق
فرستنده	خواسته ی سلطان برای دیدار با پارسا
گیرنده	پارسا

سلطان	کنشگر
آمدن پارسا به شهر	شی ارزشی
عدم تمایل پارسا برای آمدن به شهر	کنشگر بازدارنده
وزیر	کنشگریاری دهنده

۴. بحث ونتیجه گیری

نمایش های رادیویی که با اقتباس از حکایات گلستان سعدی تولید شده نیز در برخی مواقع فاقد مقدمه خاصی بوده و داستان با گره افکنی و یا پویایی و کنش آغاز شده که همین موضوع سبب جلب توجه و ایجاد کنجکاوی در شنونده می شود و شنونده برای یافتن دلیل گره و یا کنش ایجاد شده در ابتدای نمایش، آن را پیگیری می کند. نمایش های رادیویی کوتاه که با اقتباس از حکایات گلستان سعدی تهیه می شوند به جهت کوتاه بودن، مقدمه خاصی را ارائه نمی دهد اما ساختار پیرنگ آن ها شامل مرحله آغاز، نقطه اوج و مرحله پایانی است بنابراین ضعف خاصی در پیرنگ نمایش های کوتاه رادیویی وجود ندارد چرا که متن حکایات گلستان هم کوتاه بوده و سعدی نیز در این حکایات، داستان را آغاز می کند و به شکل هنرمندانه ای آن را به اوج رسانده و در نهایت با ارائه نکته اخلاقی به مخاطب آن را به پایان رسانده است. در نمایش های رادیویی نسبتا بلند که با اقتباس از حکایات گلستان سعدی تولید می شوند، پند و نکات اخلاقی حکایات، به عنوان هسته اصلی داستان قرار گرفته و با شرح و بسط حکایت، تغییر در موقعیت ها، شرح و توصیف شخصیت های حکایت، تغییر در گفت و گو میان شخصیت ها و نمایش های نسبتا بلند خلق شده است. بنابراین می توان یکی از ویژگی های گلستان سعدی را ظرفیت گسترش دانست که نویسندگان درام های رادیویی می توانند با بهره گیری از قوه تخیل و با هنر خود، حکایات گلستان را شرح و بسط و گسترش داده و به این شکل نمایش های رادیویی جذابی را خلق کنند.

در نمایش های بررسی شده، زاویه دید از نوع کانون روایت با دیدگاه همسان (شعاع کانونی درونی) بوده است و در حالی که حکایات گلستان سعدی بررسی شده در این پژوهش دارای زاویه دید با دیدگاه برتر یا همان دانای کل است. روایت با دیدگاه برتر یا زاویه دید دانای کل در حکایات گلستان سعدی این فرصت را برای نویسندگان درام رادیویی فراهم کرده است تا آن ها بتوانند بر اساس سلیقه، تجربه و هنر خود داستان را با زاویه دید های متنوع در نمایش رادیویی روایت کنند. یکی دیگر از ویژگی های گلستان سعدی که قابل استفاده برای درام نویسان رادیویی است، زاویه دید می باشد. سعدی با روایت داستان به شیوه دانای کل و حضور شخصیت های مختلف در حکایات این امکان را برای نویسندگان نمایش های رادیویی فراهم کرده است که بتوانند با هنر و تخیل خود، داستان را از زبان شخصیت های مختلف حکایات و با زاویه دید های متنوع روایت کنند.

حضور شخصیت های مختلف در حکایات گلستان سعدی این امکان را برای درام نویسان رادیویی فراهم می آورد تا بتوانند حکایات را از زاویه دید هر کدام از این شخصیت ها روایت کنند و همین موضوع می تواند سبب خلق نمایش های رادیویی متنوع، تنها با اقتباس از یک حکایت شود. الگوی کنشی گریماس و دسته بندی شخصیت ها در ۶ دسته از کنشگرها مطابق آنچه که گریماس مطرح کرده است، روشی برای بررسی شخصیت ها و روند روایت در حکایات و نمایش های رادیویی مورد نظر در این پژوهش بود. پس از بررسی و تحلیل نمونه های پژوهش، دریافتیم که شخصیت های نمایش های رادیویی و حکایات مورد پژوهش را می توان در ۶ دسته کنشگرهای گریماس یعنی فرستنده یا تحریک کننده، گیرنده، کنشگر، شی ارزشی، کنشگر یاری دهنده و کنشگر باز دارنده تقسیم بندی کرد و همین موضوع سبب ارائه روایتی جذاب در حکایات و نمایش های رادیویی شده است. بنابراین درام نویسان رادیویی می توانند با قرار دادن این کنشگرها در متن نمایش رادیویی مطابق با حکایت مورد نظر و یا با حذف و اضافه کردن شخصیت های حکایات و تغییرات در شخصیت ها، کنشگرها را در نمایش باز آفرینی کرده و به وسیله ایجاد ارتباط صحیح و معنادار میان این شخصیت ها (کنشگرها) روایتی جالب را از حکایات کهن ارائه کنند.

استاد سخن، سعدی شیرازی با ظرافت و به شیوه ای بسیار هنرمندانه نکات و پند های اخلاقی را در حکایات گلستان همیشه خوشش ارائه نموده است. بدون شک شیخ اجل، سعدی شیرازی علاوه بر آنکه استاد سخن نام دارد، استاد اخلاق نیز هست. اولین ویژگی حکایات گلستان سعدی همانند بسیاری از حکایات و داستان های کهن و شیرین پارسی، ارائه نکات پندآموز اخلاقی است که هدف غایی نویسنده در شرح حکایات گلستان بوده است. سعدی با هنر خود و شرح داستان های کوتاه و شیرین، نکات اخلاقی بسیاری را به مخاطب یاد آوری می کند. این ویژگی می تواند هسته اصلی بسیاری از نمایش های رادیویی را شکل دهد. درام نویسان رادیویی می توانند با مطالعه حکایات کهن ایرانی مانند حکایات گلستان سعدی با دنیایی از سوژه ها و موضوعات متنوع روبه رو شده و جهت خلق نمایش های رادیویی از آن ها استفاده کنند. بنابراین می توان گفت ادبیات کهن پارسی سرشار از موضوعات اخلاقی و داستانی بسیاری است که با هنرمندی درام نویسان رادیویی می تواند موضوع مناسبی برای تولید نمایش های رادیویی باشد. پیرنگ در حکایات گلستان سعدی به همان میزان که برای طرح موضوع و ارائه نکته اخلاقی لازم بوده است کامل و مناسب می باشد. نبود برخی از مراحل پیرنگ در این حکایات به معنای ضعف در پیرنگ اثر نیست بلکه به این معناست که سعدی با هنر خویش و به میزان مناسب آغاز، نقطه اوج و پایان را در حکایات خلق کرده است. اختصار در طرح داستان و استفاده از جملات کوتاه و در عین حال مفید و مناسب و همچنین حضور شخصیت های متنوع در حکایات بدون شرح و بسط و توصیف اضافه ای، علاوه بر آنکه جذابیت را در متن حکایات ایجاد نموده است فرصتی را برای درام نویسان رادیویی فراهم آورده تا با شرح و بسط این حکایات بتوانند آن ها را برای تولیدات نمایشی رادیو مورد استفاده قرار دهند. بنابراین ویژگی دوم حکایات گلستان سعدی به عنوان نمونه ای از ادبیات کهن پارسی، ظرفیت گسترش می باشد که نویسندگان رادیویی می توانند با بهره گیری از قوه تخیل، هنر، داستان پردازی و ... به شرح و بسط حکایات گلستان پرداخته و با بهره گیری از این حکایات کوتاه، نمایش های رادیویی نسبتا بلند و جذابی را خلق کنند. سعدی در حکایات گلستان سعدی اغلب از زاویه دید دانای کل استفاده نموده است. حال آنکه نمایش های رادیویی این قابلیت را دارند که با توجه به خط سیر داستان و پیرنگ، با زاویه دید های گوناگون روایت شوند.

شخصیت های متنوع در حکایات گلستان هر کدام می توانند زمینه ساز ارائه روایتی جذاب با زاویه دید جدید باشد. بنابراین استاد سخن و استاد اخلاق، سعدی شیرازی با دانای کل قرار دادنِ زوایای دید در حکایات گلستان این امکان را برای درام نویسان رادیویی فراهم آورده تا آنان با هنر و خلاقیت خود، حکایت را با زوایای دید متنوع و جذابی روایت کنند و این موضوع، ویژگی کارآمد سوم را در گلستان سعدی رقم زده است. شخصیت های موجود در حکایات گلستان در موقعیت های مختلف داستان، قابل تقسیم بندی در ۶ گروه مختلف کنشگرهای گرماس هستند. چنانچه نویسندگان نمایش های رادیویی نیز شخصیت های حکایات گلستان را مطابق آنچه که در نمایش رادیویی مناسب است پرورش داده و در الگوی کنشی گرماس قرار دهند می توانند در نمایش های رادیویی شخصیت پردازی موفق را ایجاد کنند. سعدی به شکل جزئی و دقیق به معرفی شخصیت ها نپرداخته است بنابراین درام نویسان رادیویی این امکان را دارند که شخصیت های مختلف حکایات گلستان را با جزئیات بیشتری در نمایش های خود خلق کنند.

چهارمین ویژگی گلستان سعدی، حضور شخصیت های متنوع مانند پادشاه، وزیر، اسیر و ... در حکایات است که این امکان را به مخاطب می دهد تا در ذهن خود برای آن شخصیت ها تصویر سازی انجام دهد، حال اگر درام نویسان رادیویی از همین تصویر سازی در خلق شخصیت ها ی نمایش رادیویی استفاده کنند، می توان گفت که شاهد رشد در پرورش شخصیت های حکایات خواهیم بود.

فهرست منابع

۱. اشرف زاده، رضا (۱۳۷۳). تجلی رمز و روایت در شعر عطار نیشابوری، تهران: اساطیر.
۲. آقاخانی، ایوب (۱۳۹۱). راهنمای عملی نمایشنامه نویسی برای رادیو، چاپ اول، تهران: فراز.
۳. احمدی، بابک (۱۳۸۰). ساختار و تأویل متن، تهران: نشر مرکز.
۴. اخوت، احمد (۱۳۷۱). دستور زبان داستان، اصفهان: نشر فردا.
۵. انوشه، حسن (سرپرست) (۱۳۷۶). دانشنامه ادب فارسی، ج ۲، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
۶. ایمان، محمدتقی؛ نوشادی، محمودرضا (۱۳۹۰)، "تحلیل محتوای کیفی"، عیار پژوهش در علوم انسانی، ۲.
۷. بیشاپ، لئونارد (۱۳۹۰). درس هایی درباره داستان نویسی، (محسن سلیمانی، مترجم). تهران: سوره مهر.
۸. بقال لاله، عبدالحسین، ۱۳۷۹، تبیین جایگاه داستان در ادبیات نمایشی، تهران: تندیس.
۹. پرتوی راد، طیبیه؛ گرجی، مصطفی (۱۳۹۴). "تحلیل انتقادی شیوه روایت پردازی حکایتی از گلستان سعدی (جوان مشت زن)" تهران، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ۳۸.
۱۰. حریری، نجلا (۱۳۹۰). اصول و روش های پژوهش کیفی، چاپ دوم، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
۱۱. حاجی علیلو، حسین (۱۳۹۰). "بررسی ساختاری حکایت های گلستان سعدی"، دانشگاه آزاد اسلامی شهرکرد، نشریه پژوهش های نقد ادبی و سبک شناسی، ۳.

۱۲. دادخواه، فرشته ؛ نبی لو ، علیرضا (۱۳۹۴). "بررسی و تحلیل شخصیت‌های اجتماعی گلستان سعدی"، هشتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی.
۱۳. ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۶). "ساختار داستان‌های گلستان"، دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، مجله تخصصی زبان و ادبیات، دوره ۴۰ شماره ۱.
۱۴. ذوالفقاری، محسن ؛ حلت آبادی، مینا (۱۳۹۶) "بررسی عناصر داستانی حکایت خواجه ی زوزن در گلستان سعدی"، نهمین همایش ملی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی.
۱۵. رجبی، زهرا ؛ آذر، سمیه (۱۳۹۱) "بررسی و تحلیل طرح داستان یوسف درقران باتاکید بر نظریه پیرنگ لاری وای". نشریه پژوهش‌های ادبی.
۱۶. سجودی، فرزانه (۱۳۸۲). نشانه‌شناسی کاربردی، چاپ اول، تهران: نشر علم.
۱۷. سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۹۲). گلستان، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، تهران: صفی علی‌شاه، چاپ بیست و پنجم.
۱۸. سلیمیان، سونا؛ علیزاده، ناصر (۱۳۹۵) "کانون روایت در الهی نامه عطاری براساس نظریه ژرارژنت" نشریه پژوهش‌های ادبی عرفانی، سال ششم، شماره ۲۲
۱۹. سطوت، زهره (۱۳۹۱) "ویژگی‌های نمایش رادیویی" نشریه رادیو. شماره ۶۷.
۲۰. شمیسا، سیروس (۱۳۸۱). انواع ادبی، تهران: فردوس.
۲۱. شنبه‌ای، رقیه (۱۳۸۹). "شخصیت و سگدهای شخصیت پردازی سعدی در گلستان"، رودهن، نشریه پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب، ۱۰.
۲۲. صافی پیرلوجه، حسین (۱۳۹۴) - "روایت پژوهی در زمانی: سنجش روش‌های قصه‌گویی و داستان‌نویسی در فارسی" تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی.
۲۳. عابدی، فاطمه (۱۳۸۸) "ساختار داستان‌های گلستان سعدی"، شیراز مرکز سعدی‌شناسی، سالنامه سعدی‌شناسی، ۱۲.
۲۴. عبداللهی، منیژه (۱۳۸۵) "شیوه‌های روایت پردازی در گلستان"، دانشگاه شیراز، نشریه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۴۸.
۲۵. غلام، محمد (۱۳۸۲). «سگدهای داستان‌پردازی در بوستان»، دانشگاه تبریز، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال ۴۶، شماره مسلسل ۱۸۹، ۳۸ - ۱۷.
۲۶. فعال، نجمه (۱۳۸۸)، "بررسی وجوه نمایشی گلستان سعدی"، دانشکده ادبیات و علوم انسانی شهید باهنر کرمان.
۲۷. کالر، جانانان (۱۳۸۵). نظریه ادبی، ترجمه ی فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز.
۲۸. گل‌آر، امیرمهدی (۱۳۸۹). عناصر نمایش، بازیابی ۱۸ بهمن ۱۳۹۲، از amooly.com

۲۹. میرصادقی، جمال (۱۳۹۰). ادبیات داستانی، چاپ ششم، تهران: سخن.
۳۰. مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۸۵). دانشنامه‌ی نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه‌ی محمد نبوی؛ مهران مهاجر، تهران: آگه.
۳۱. مرادی جعفری، ملیحه (۱۳۹۱). "بررسی وجوه کارکردی روایت در داستان کوتاه؛ نگارش نمایشنامه رادیویی اقتباسی"، تهران، ماهنامه علمی تخصصی صدای جمهوری اسلامی ایران، ۶۷.
۳۲. موسوی مهر، سیدمهدی؛ شریف خدایی، مجید؛ هنرمندنیان، احسان (۱۳۹۳). اقتباس رادیویی از داستان‌های منشور عرفانی برای نمایش نامه رادیویی، تهران، فصلنامه رادیو و تلویزیون، ۲۴.
۳۳. مستور، مصطفی (۱۳۷۹). مبانی داستان کوتاه، تهران: نشر مرکز.
۳۴. مقدادی، بهرام (۱۳۷۸). فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی، از افلاطون تا عصر حاضر، تهران: انتشارات فکر روز.
۳۵. محمدپور، احمد (۱۳۸۸). تحلیل داده‌های کیفی: رویدادها و مدلها، تهران: مجله انسان شناسی، دوردوم سال یکم شماره پیاپی ۱۰.
۳۶. ویستر، راجر (۱۳۸۲). پیش درآمدی بر مطالعه نظریه ادبی، ترجمه‌الیه دهنوی، تهران: سپیده سحر.
۳۷. وحدانی فر، امید؛ صرفی، محمدرضا؛ بصیری، محمدصادق (۱۳۹۵). "بررسی سرعت روایت در حکایت‌های گلستان سعدی بر اساس نظریه ژنت"، اصفهان، نشریه فنون ادبی، ۴۸.
۳۸. یلمه‌ها، احمد رضا؛ اژدرنژاد، هاله (۱۳۹۸). "روایت شناسی منظومه فیروز و شهناز براساس الگوی گریماس"، تهران، نشریه روایت شناسی، ۲.

۱. Bishop, L (2011). Dare to be a Great Writer, (Mohsen Soleimani, translator). Tehran: Surah Mehr.

۲. Caller, J (2006). Literary Theory, translated by Farzaneh Taheri, Tehran: Markaz Publishing.

۳. Macarique. IR (2006). Encyclopedia of Contemporary Literary Theories, translated by Mohammad Nabavi; Mehran Mohajer, Tehran: AGAH.

۴. Webster, R (2003). An Introduction to the Study of Literary Theory, translated by Elahe Dehnavi, Tehran: Sepideh Sahar.